

## انقلاب اسلامی و پیدایش ژئوپلیتیک جدید ایران

محمدرضا حافظ‌نیا<sup>۱</sup>

زهرا احمدی‌پور<sup>۲</sup>

چمران بویه<sup>۳</sup>

### چکیده

مقاله حاضر بر آن است تا با بیان رویکردها، اندیشه‌ها و کنش‌های ژئوپلیتیکی ایران قبل و پس از انقلاب، ژئوپلیتیک جدید ایران پس از انقلاب را تبیین نماید. نگارندگان در این مقاله به دنبال این پرسش هستند که وقوع انقلاب اسلامی چه تحولی در ساختار ژئوپلیتیک ایران پدید آورد؟ در پاسخ با بررسی و واکاوی بنیان‌های اندیشه‌ای و عملی ساختار سیاسی جمهوری اسلامی و اصول اساسی حاکم بر سیاست خارجی کشور این فرضیه را مطرح کرده‌ایم که ژئوپلیتیک ایران پس از انقلاب متأثر از مفاهیم و استراتژی‌هایی چون صدور انقلاب، تشکیل امت واحده اسلامی، نه شرقی - نه غربی، آمریکا ستیزی، اسراییل ستیزی، دفاع از مظلومان و آزادیخواهان جهان، حمایت از جنبش‌های آزادی‌بخش، ام‌القری شدن و خروج از پیمان سنتو و ورود به پیمان عدم تعهد ماهیتی انبساطی پیدا کرده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که ژئوپلیتیک ایران در دوران پهلوی دوم به نیابت از آمریکا و متأثر از استراتژی‌های این کشور، ماهیتی وابسته و موقعیتی محلی داشت. در این میان وقوع انقلاب اسلامی سبب شد تا ژئوپلیتیک ایران سرشتی مستقل و ابعادی جهانی پیدا کند.

**کلید واژه‌ها:** تحول ژئوپلیتیکی، انقلاب اسلامی، سنتو، صدور انقلاب، امت واحده، آمریکا ستیزی.

## ۱. مقدمه

تحول ژئوپلیتیکی نشان‌گر بروز تغییر و دگرگونی در الگوها، نظم‌ها و ساختارهای ژئوپلیتیکی است. برای فهم تحولات ژئوپلیتیکی می‌بایست علل وقوع تحول و همچنین اندیشه‌های نقش‌آفرینان اصلی از جمله رهبران و نهادهای تصمیم‌گیرنده در حکومت‌ها را نیز درک کرد. در این میان نقش انگاره‌ها و اندیشه‌ها در ژئوپلیتیک بسیار مهم است، زیرا این اندیشه‌ها هستند که اهداف ژئوپلیتیکی را تعیین می‌کنند. از این رو دگرگونی در اندیشه‌های سیاسی منجر به تحول در ساختارهای ژئوپلیتیکی خواهد شد. انقلاب‌ها یکی از تحولات و دگرگونی‌های سیاسی هستند که متأثر از اندیشه‌های جدید به وقوع پیوسته و ساختارها و نظام ارزشی یک جامعه را زیرورو می‌کنند. یکی از ساختارهای مهم یک کشور ژئوپلیتیک و استراتژی‌های برآمده از آن است که همان‌گونه که گفته شد مبتنی بر اندیشه‌ها و ایدئولوژی‌های سیاسی حکمرانان و قابلیت‌های سرزمینی آن کشور پی‌ریزی شده است. از این رو متأثر از پدیده انقلاب ساختارهای ژئوپلیتیکی و به تبع استراتژی ژئوپلیتیکی نیز دگرگون می‌شوند. انقلاب ۱۳۵۷ ایران در زمره بزرگ‌ترین انقلاب‌های دوران معاصر همچون انقلاب ۱۷۸۹ فرانسه، ۱۹۱۷ روسیه، ۱۹۴۹ چین، ۱۹۵۹ کوبا قرار دارد که پیامدهای عظیمی در بنیان‌های ژئوپلیتیکی ایران پدید آورد. انقلاب اسلامی ایران آن هنگام که جهان ژئوپلیتیک به دو بلوک غرب و شرق تقسیم شده بود و تمام کشورهای جهان و از جمله ایران در یکی از این دو بلوک قرار داشتند؛ حادث شد. با توجه به ماهیت مذهبی انقلاب ایران و عدم سنخیت آن با الگوهای رایج مارکسیستی و لیبرالیستی، به تبع، حکومت جدید ایران در چهارچوب ساختار ژئوپلیتیک آن زمان نمی‌گنجید. جمهوری اسلامی برآمده از انقلاب، جهان را از دیدگاه خود تفسیر می‌کرد و خود را قطب سوم و راه حق می‌دانست. از این رو ژئوپلیتیک ایران و کنش‌های معطوف به آن به طور مستقیم از انقلاب متأثر شد؛ بطوری که می‌توان گفت ژئوپلیتیک ایران نیز دچار انقلاب در ماهیت خود شد. در این پژوهش با توجه به ماهیت موضوع مورد بررسی، روش‌شناسی تحقیق توصیفی - تحلیلی است. روش گردآوری اطلاعات نیز از نوع کتابخانه‌ای با استفاده از منابعی همچون کتب، مقالات، اسناد، روزنامه و اینترنت است. در ادامه فرضیه این تحقیق در قالب یک الگوی نظری و با رویکردی مقایسه‌ای بین ژئوپلیتیک قبل از انقلاب و ژئوپلیتیک پس از انقلاب مورد ارزیابی قرار گرفته شده است.

## ۲. تعریف مفاهیم و مبانی نظری

### ۲-۱. ژئوپلیتیک

ژئوپلیتیک علم رقابت و گسترش حوزه نفوذ حکومت‌ها و کنشگران سیاسی است که درصدد کسب قدرت و تصرف ابزارها، اهرم‌ها و فرصت‌های جغرافیایی هستند که به آنها قدرت و امکان چیرگی بر رقیب را می‌دهد. آنها برای تصرف فرصت‌ها و مقدرات، در مکان و فضای جغرافیایی به رقابت پرداخته و سعی می‌کنند نفوذ خود را در فضاهای جغرافیایی بیشتر توسعه دهند و آنها را به قلمرو اعمال اراده خود بیفزایند و بر عکس رقبا را از فضاهاى مورد منازعه برانند (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۸۴). مطالعات و تحلیل‌های ژئوپلیتیکی، روابط و کنش‌های معطوف به قدرت را واکاوی می‌کنند؛ روابط و کنش‌هایی که تابعی از استراتژی ژئوپلیتیکی دولت‌ها نسبت به یک پدیده ژئوپلیتیکی هستند. بر این اساس ژئوپلیتیک به مطالعه نقش آفرینی‌های سیاسی - محیطی در چارچوب مفهوم قدرت (مجتهدزاده، ۱۳۸۱: ۲۱) و تقابل ارضی قدرت‌ها و بازتاب‌های آن در افکار جامعه می‌پردازد (لاکوست و ژیلین، ۱۳۷۸: ۴۲).

### ۲-۲. ایدئولوژی

اصطلاح ایدئولوژی که از دو کلمه لاتین «ایده» به معنای فکر و اندیشه و «لوژی» پسوندی به معنای شناخت یا شناسی ترکیب شده و برای نخستین بار توسط دوستوت دوتراسی<sup>۱</sup> در دوران انقلاب فرانسه به کار برده شد. ایدئولوژی عقاید و نوع تفکر فرد، گروه و طبقات یک جامعه درمورد سیستم اجتماعی، اقتصادی و سیاسی آن جامعه (Freeden, 2000:45) و هدایت‌گر، مشوق و ابزار عمل سیاسی است (Pesqueux, 2002:8). لویی آلتوسر ایدئولوژی را ملات پیوند دهنده جوامع انسانی و جزئی از اندامواره تمامیت اجتماع می‌داند و معتقد است جوامع بشری در زندگی تاریخی‌شان ایدئولوژی را به عنوان عنصری حیاتی و اساسی در تنفس و زندگی تاریخی‌شان ترشح می‌کنند (Lahtinen, 2009:4). در مورد سیاست خارجی یکی از کارکردهای ایدئولوژی بسط دادن قدرت حکومت با سایر گروه‌های سیاسی هم‌فکر و متجانس (رسمی و غیر رسمی) در خارج از مرزهای کشور است. از این رو ایدئولوژی نوعی نقشه و راهنما برای سیاستمداران و کارگزاران است و کنش و رفتار آنها را هدایت می‌کند. در راستای ایدئولوژی، منازعات و جدال‌ها حل می‌شود، یا برعکس، شکل می‌گیرد و یا گسترش می‌یابد. همچنین به کمک آن، گذشته تفسیر، زمان حال توضیح و آینده پی‌ریزی می‌شود (عالم، ۱۳۷۳: ۸۴).

## ۳-۲. انقلاب

در ادبیات سیاسی انقلاب را تغییری که نتیجه‌ی عدم هماهنگی میان محیط سیاسی و ارزش‌های درون آن است تعبیر کرده‌اند (Johnson:1982:112). کیفیت و ماهیت دگرگونی در انقلاب‌ها، حرکتی سریع و ناگهانی در ارزش‌ها و باورهای مسلط ساخت سیاسی حاکم است. یک انقلاب دست کم دارای چهار عامل: ۱- نارضایتی عمیق از وضع موجود ۲- ظهور و گسترش ایدئولوژی‌های جدید جایگزین ۳- گسترش روحیه‌ی انقلابی ۴- رهبری و نهادهای بسیج‌گر است. در تبیین‌های جامعه‌شناختی انقلاب می‌توان به نظریات جانسون، دورکیم، مارکس، کاتوستکی، پاره‌تو، آرنست اشاره کرد. (Goodwin, 2001:5) در تبیین روانشناختی نیز، انقلاب از منظر مفاهیمی چون سرکوب، محرومیت نسبی و غرایز تبیین می‌شود (گر، ۱۳۷۹: ۷۴). اما از منظر علم ژئوپلیتیک، انقلاب محصول تعارض و تقابل بین حوزه ژئوپلیتیک عمومی (مردم‌محور) و حوزه ژئوپلیتیک رسمی (دولت-محور) است. گسترده شدن شکاف ساختاری بین این دو حوزه در طول زمان، سرانجام منجر به رویارویی این دو حوزه خواهد شد. با این حال به طور کلی نارضایتی از وضع موجود و ظهور و نیز گسترش ایدئولوژی جدید و جایگزین، از عوامل بنیادینی است که در وقوع انقلاب‌ها نقش دارند (بریتون ۱۳۶۶: ۴۵-۵۹). اسکاچپول انقلاب‌ها را به انقلاب سیاسی و انقلاب اجتماعی تقسیم کرده و متذکر می‌شود، در انقلابات سیاسی هدف انقلاب‌کنندگان گاه تنها تغییر حکومتگران است و گاه تغییر میزان قدرت ساخت‌ها یا ایجاد یا لغو مقامی در حکومت. اما در انقلاب‌های اجتماعی، علاوه بر تغییر حکومت، در ساختارهای اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی نیز تغییرات اساسی روی می‌دهد (Skocpol, 1979:33).

## ۴-۲. نسبت ژئوپلیتیک و سیاست خارجی

هدف سیاست خارجی دستیابی به اهداف ملی مورد تعقیب در نظام جهانی و ابزارهای نیل به آنها است (Cecil & Crabb, 1972:1). از این رو سیاست خارجی کوشش آگاهانه دولت‌ها است تا از آن طریق با کسب، افزایش، حفظ و نمایش قدرت، منزلت خود را در گستره نظام جهانی ارتقاء دهند. از آنجا که تعقیب منافع و اهداف ملی در نظام جهانی متضمن ایجاد ارتباط و تعامل با دیگر کشورها است؛ سیاست خارجی تعیین‌کننده شیوه تعامل واحدهای سیاسی با همدیگر است. مفهوم قدرت و میل به افزایش آن خصیصه ذاتی هر نظام سیاسی است که دستگاه سیاست خارجی در بطن روابط خود با دیگر کشورها، این خصیصه را پی‌گیری می‌کند. بر این اساس همپوشانی مفاهیم قدرت، روابط خارجی و واقعیت‌های جغرافیایی توجیه‌کننده اتخاذ استراتژی‌های ژئوپلیتیکی در سیاست خارجی کشورها است. از این رو روابط و

کنش‌های سیاسی کشورها در عرصه جهانی تابعی از راهبرد و موقعیت ژئوپلیتیک دولت‌ها و نیز ساختار نظام‌های ژئوپلیتیکی است. در نتیجه همبستگی و هماهنگی بالایی میان ژئوپلیتیک و الگوی رفتار سیاست خارجی دولت‌ها برقرار است و بر اساس آن راهبردهای ژئوپلیتیکی طراحی و عملیاتی می‌شوند تا به ساختار روابط ژئوپلیتیکی جهت و معنا بخشد (کاویانی‌راد و بویه، ۱۳۹۱: ۱۱۷).

## ۲-۵. تصورات ژئوپلیتیکی

تصور ژئوپلیتیکی ادراک و ذهنیتی اندیشه محور است که اشخاص، نهادها و بازیگران سیاسی از موقعیت، ویژگی‌ها و محتوای فضای جغرافیایی (اعم از خرد و کلان) دارند. دولت‌ها به عنوان بزرگترین بازیگران سیاسی خط‌مشی‌ها، سیاست‌ها و الگوهای رفتاری خود نسبت به یک فضا را بر اساس تصور ژئوپلیتیکی شکل می‌دهند. بطوری که عمل سیاسی یک کشور نسبت به یک کشور دیگر ناشی از تصور ژئوپلیتیکی آن می‌باشد (حافظ‌نیا، ۱۳۸۸). شکل‌گیری تصورات ژئوپلیتیکی یک کشور را می‌توان در منابع رسمی و غیر رسمی آن جستجو کرد. از مهمترین منابع رسمی می‌توان به قانون اساسی و اسناد دولتی کشورها اشاره کرد که در آن استراتژی‌ها، برنامه‌ها، اهداف و ارزش‌های نظام‌های سیاسی بازتاب یافته است و از منابع غیر رسمی می‌توان به باورهای مردمی، منابع تاریخی، آرمان‌های سیاسی - فرهنگی، تمایلات نخبگان، رسانه‌های شنیداری و دیداری همچون فیلم، مجله، موسیقی و هنر اشاره کرد (دادس، ۱۳۸۴: ۱۵۰).

## ۳. قلمرو تحقیق

### ۳-۱. ژئوپلیتیک و قلمروهای آن در دوران پهلوی دوم

پس از پایان جنگ جهانی دوم آمریکا و شوروی با توجه به ضعف قدرت‌های بزرگ اروپایی، توانستند خود را به عنوان دو قدرت برتر نظام جهانی معرفی کنند که در نتیجه آن دورانی از رقابت و خصومت میان آنها برای گسترش حوزه نفوذ خود در جهان آغاز شد. در نظام ژئوپلیتیک جدید، آمریکا در تلاش بود تا گسترش کمونیسم را در جهان محدود کند و شوروی نیز در تلاش برای صدور انقلاب کمونیستی خود به کشورهای دیگر بود. گستره رقابت‌های ژئوپلیتیکی دو کشور در قالب پیمان‌های امنیتی ناتو در اروپا غربی، سنتو در خاورمیانه، سیتو در جنوب شرقی آسیا در برابر پیمان ورشو (شوروی و اقمار آن) شکل گرفت. در این میان ایران محور پیمان سنتو در خاورمیانه بود. موقعیت ایران در ریملند سبب شده بود تا کشور ایران بخش مرکزی کمربند امنیتی پیرامون شوروی (کانتینمنت) را در حاشیه جنوبی آن کشور به همراه کشورهای ترکیه و پاکستان تشکیل دهند (حافظ‌نیا، ۱۳۸۴: ۶۶-۶۷). بر این اساس ژئوپلیتیک ایران درون ساختار

ژئوپلیتیک آمریکا شکل گرفت. همین ویژگی منشأ سیاست‌های آمریکا در برابر ایران و حتی طراحی کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ با مشارکت بریتانیا برای برکناری دولت مصدق بود. با خروج نیروهای نظامی بریتانیا از منطقه خلیج فارس در سال ۱۳۵۰ آمریکا حفظ امنیت و حراست از منافع ژئوپلیتیکی‌اش در خاورمیانه را بر اساس دکترین نیکسون - کسینجر به ایران با عنوان ژاندارم منطقه واگذار کرد (ازغندی، ۱۳۸۶: ۲۳۴). بنیاد این دکترین، کمک به کشورهای هم‌پیمان به منظور دستیابی به ظرفیتی بود که قادر به دفاع از خود باشند. بدین منظور نیکسون ایران و عربستان را به عنوان حافظ امنیت خلیج فارس انتخاب کرد (Gary, 2005:178). بعد از اعلام دکترین نیکسون و انتخاب ایران به عنوان ژاندارم منطقه، محمدرضا شاه، ژاندارمی آمریکا را پذیرفت (حسینیان، ۱۳۸۳: ۲۹۵). از جمله علایق ژئوپلیتیکی که حکومت پهلوی را ترغیب به پذیرفتن نقش ژاندارم منطقه کرد می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. کسب اعتبار جهانی
  ۲. کنترل ترانزیت بین‌المللی نفت
  ۳. هژمونی ایران بر کشورهای خاورمیانه به‌ویژه خلیج فارس
  ۴. مقابله با خطر اتحاد شوروی و و هم‌پیمانش عراق
  ۵. تشکیل برترین و مقتدرترین حکومت در آسیا
- بر این اساس ایران در نقش جدید خود، در چهارچوب ژئوپلیتیک آمریکا در دو سطح منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به کنش‌گری ژئوپلیتیکی پرداخت. اولین تحرک فرامنطقه‌ای حکومت پهلوی اعزام ۵۰ فروند جنگنده F-5 به ویتنام برای سرکوب ویت‌کنگ‌ها بود (حسینیان، ۱۳۸۳: ۱۹۸). با این وجود مهم‌ترین دخالت ایران اعزام نیرو به عمان جهت سرکوب جنبش مارکسیستی ظفار بود. شاه در روز ۲۹ آذر ۱۳۵۲ واحدهایی از ارتش ایران متشکل از پیاده، توپخانه و هلی‌کوپتر را رهسپار عمان کرد. این امر سبب شد تا قیام عمان با شکست چریک‌های جنبش ظفار به پایان برسد (هوشنگ‌مهدوی، ۱۳۷۵: ۴۲۹). یکی دیگر از مناطقی که حکومت پهلوی در آن مداخله‌ی نظامی کرد؛ اعزام نیروی نظامی به پاکستان بود. وی در سال ۱۳۵۵ یک واحد ضد شورش و هلی‌کوپتر را به پاکستان فرستاد تا شورش بلوچ‌های پاکستان را سرکوب کند (لطیفیان، ۱۳۸۰: ۱۰۳).

از دیگر کنش‌های ژئوپلیتیکی حکومت پهلوی می‌توان به دخالت در تحولات سیاسی شمال آفریقا در سال ۱۳۵۳ اشاره کرد. در آن سال موجی از چپ‌گرایی بر این منطقه حاکم شد که موجب نگرانی آمریکا از نفوذ کمونیسم شد. متأثر از چنین وضعیتی حکومت پادشاهی هایله سلاسی ساقط شد و جای آن را یک

حکومت چپ‌گرا گرفت. در ادامه ناآرامی‌ها به سومالی نیز کشیده شد. از این رو دولت سومالی از شاه تقاضای کمک تسلیحاتی کرد. حکومت پهلوی پس از مشورت با آمریکا و انگلیس و تأیید آنها اقدام به ارسال تسلیحات مورد نیاز سومالی کرد (حسینیان، ۱۳۸۳: ۱۹۹). از این نوع کمک‌های تسلیحاتی به کشورهای اردن، مغرب و یمن شمالی نیز ارسال شد (امینی ۱۳۸۱: ۲۰۰). ایران در جنگ ۶ روزه اعراب و اسرائیل نیز تنها کشور تولیدکننده نفت منطقه خلیج فارس بود که در تحریم نفتی اعراب علیه آمریکا و کشورهای اروپایی شرکت نکرد و نفت مورد نیاز اسرائیل و ناوگان ششم آمریکا در مدیترانه را تأمین می‌کرد (گازپوروسکی، ۱۳۷۱: ۱۷۵). ایران همچنین با تمرکز ارتش خود در مرزهای عراق، ارتش این کشور را منفعل کرد و از ایفای نقش مؤثر این کشور در جنگ اعراب و اسرائیل جلوگیری کرد (فونتن، ۱۳۶۲: ۴۵۷).

### ۳-۲. مبانی تصورات ژئوپلیتیکی انقلاب اسلامی

تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ایران از مقطع زمانی سال ۱۳۳۲ تا سال ۱۳۵۷ سرانجام منجر به وقوع انقلاب اسلامی در سال ۵۷ شد. محمدرضا شاه با قرار گرفتن در متن کودتای بریتانیایی - آمریکایی ۲۸ مرداد و نقض اصول مشروطه، به چندین دهه تلاش ایرانیان در راه پایان بخشیدن به استبداد حکومتی خط بطلان کشید. از این رو پس از کودتای ۲۸ مرداد کنش‌های سیاسی ایرانیان در قالب گروه‌های مختلف سیاسی معطوف به مبارزه با حکومت شاه شد. در این میان با وجود نحلتهای متنوع انقلابی همچون مارکسیست‌ها، کمونیست‌ها، سوسیالیست‌ها، ملی‌گرایان و رفرمیست‌های لیبرال به مرور زمان این انگاره‌های مذهبی و شیعی بودند که نقش برجسته‌ای در هدایت و تکوین جریان انقلاب داشتند؛ بطوری که این انگاره‌ها موتور محرکه انقلاب ایران شد. انقلابی که شاه را ظالم و حکومت او را حکومت جور و ستم معرفی کرد. از این رو انگاره‌های عدالت‌خواهی و ظلم‌ستیزی نقش کلیدی را در رخداد انقلاب اسلامی ایفا کرد. با نگاهی گذرا به تاریخ اسلام و همچنین قرآن کریم می‌توان دریافت که عدالت، حمایت از مظلومین و ظلم‌ستیزی محور حرکت‌ها و تلاش‌های مصلحان دینی بوده است. از این رو حکومت برآمده از انقلاب اسلامی نیز عدالت‌خواهی و ظلم‌ستیزی را از منظر آموزه‌ها و رهنمودهای قرآنی و مکتبی خود تصویرسازی کرد. از سوی دیگر مفاهیم عدالت‌خواهی و ظلم‌ستیزی در قالب حکومت جمهوری اسلامی جنبه‌ای سیاسی پیدا کرده و به عنوان استراتژی سیاست داخلی و خارجی مدنظر قرار گرفت. در این خصوص آیات زیادی در قرآن به این موضوعات اشاره دارند. قرآن درباره هدف نبوت و رسالت پیامبران می‌فرماید: «لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الكتاب و المیزان ليقوم الناس بالقسط» همانا

فرستادگان مان را با دلایل روشن فرستادیم و همراه ایشان کتاب و میزان نازل کردیم تا مردم به راستی و هدایت گرایند (حدید/۲۵). در جای دیگر می‌فرماید: « وَنَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَإِنْ كَانَ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ أَتَيْنَا بِهَا وَكَفَى بِنَا حَاسِبِينَ » ترازوهای عدالت را در روز قیامت می‌نهمیم، به احدی ظلم نخواهد شد و اگر هم وزن دانه خردل باشد، آن را می‌آوریم؛ این بس که ما حساب‌گر هستیم» (انبیاء/۴۷). همچنین می‌فرماید: « وَ مَا لَكُمْ لَا تَقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَ النِّسَاءِ وَ الْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَوْلَهَا وَ اجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا » به مبارزه با ظالم تأکید کرده است و می‌فرماید: چپرا جهاد نمی‌کنید در راه خدا و (برای رهایی) ضعفا و مستضعفین از مردان و زنان و کودکان؛ آنان که گویند بار پروردگارا، ما را از این شهر که شهروندانش ستم‌کارند برهان و برای مان از نزد خود ولی و یار و یابوری قرار بده.» (نسا/ ۷۵)

علاوه بر این مذهب شیعه به دلیل ماهیت اعتراضی، اجتهادی و انقلابی خود (فاضلی‌نیا، ۱۳۸۵: ۳۳) و مفاهیمی چون مهدویت و عاشورا همواره نسبت به ولایت ظالمان و سلطه و اقتدار سیاسی نامشروع، موضع رد و نفی داشته است. قیام امام حسین(ع) و مکتب عاشورا یکی از مظاهر اعتراضی و انقلابی تشیع است. وجوه تشابه انقلاب اسلامی و نهضت عاشورا در مبانی ایدئولوژیک‌شان است. مفاهیمی چون ایثار و فداکاری، شهادت، نجات دین خدا، مبارزه با فساد و ظلم ستیزی برگرفته از مکتب عاشورا هستند. حرکت اعتراضی امام حسین(ع) علیه حکومت یزید و مقاومت تا سر حد مرگ و فدا کردن دارایی‌ها و خویشاوندان، دستمایه‌ای غنی برای ادبیات انقلاب اسلامی فراهم ساخت. از این رو نهضت عاشورا معیار، الگو و یکی از ریشه‌های انقلاب اسلامی به‌شمار می‌آید(سخاوتی، ۱۳۸۴: ۲۶). همچنین موضوعاتی چون نابودی ستم، شرک و آزادی مستضعفان و پایان دادن به حاکمیت مستکبران و ستمگران نیز برگرفته از اعتقاد به مهدویت است. از نظر شیعه، ظهور و قیام حضرت مهدی(عج) عظیم‌ترین و بی‌سابقه‌ترین انقلاب تاریخ است که تحولات اساسی و همه‌جانبه‌ای را در عرصه‌های فکری، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جهان به همراه خواهد داشت. از منظر شیعه قیام‌ها و انقلاب‌های بیدارگرایانه از جمله اموری هستند که سبب تسریع در انقلاب جهانی حضرت مهدی(عج) خواهد شد. از این رو انقلاب اسلامی آغازگر انقلاب جهانی اسلام است؛ بطوری‌که انقلاب اسلامی برای زمینه‌سازی انقلاب بزرگ مهدوی، همان هدف‌های استراتژیک انقلاب جهانی موعود و برپایی حکومت جهانی اسلام را دنبال می‌کند.



### ۳-۳. استراتژی‌های ژئوپلیتیکی حکومت نوپای انقلابی

#### ۳-۳-۱. استراتژی نه شرقی نه غربی

با پیروزی انقلاب اسلامی، جهت‌گیری مثبت و موافق ایران در ساختار جهان دوقطبی جای خود را به سیاست اعتراضی نه شرقی - نه غربی داد. این سیاست، ایران را کانون نیروهای ژئوپلیتیکی غیر همسو با نظام دوقطبی کرد. به عبارت دیگر انقلاب ایران خلایی ژئوپلیتیکی در دل نظام دوقطبی ایجاد کرد و خود را خارج از این ساختار تعریف کرد. از منظر جمهوری اسلامی مفهوم نه شرقی و نه غربی مبتنی بر نفی سلطه، استقلال طلبی و تن ندادن به حاکمیت خارجی است. این استراتژی مدعی تغییر توازن قوا و ایجاد قطب سومی در برابر دو قطب شرق و غرب بود. در ارتباط با این استراتژی امام خمینی رهبر انقلاب ایران می‌گوید: "من اکنون به ملت‌های شریف و ستمدیده و به ملت عزیز ایران توصیه می‌کنم که از این راه مستقیم الهی که نه به شرق ملحد و نه به غرب ستمگر وابسته است بلکه بصیرتی است که خداوند بر آنها نصیب فرموده است محکم و استوار و متعهد و پایدار و پایبند باشند". در همین رابطه امام خمینی (ره) در یازدهم شهریور ۱۳۶۰ طی سخنانی در این باره اظهار داشت:

«از همان بدو انقلاب و از قبل از بدو انقلاب که شالوده انقلاب ریخته می‌شد، مسیر، مسیر انبیاء بود، مسیر راه مستقیم نه شرقی، نه غربی بود، جمهوری اسلامی بوده و تاکنون هم ملت ما به همان مسیر باقی است» (امام خمینی، ۱۳۸۵ ج ۱۵: ۱۴۷).

ایشان در جای دیگر در تبیین این سیاست و تعیین مصداق‌های شرق و غرب اظهار داشت:

«ما نه با امریکا کار داریم و نه با شوروی، ما خودمان هستیم. این که با همه دولت‌ها رابطه داشته باشیم، یعنی رابطه دوستانه، نه روابط بین ارباب و رعیت و ما این روابط را نمی‌خواهیم... ما می‌خواهیم این طور باشیم که نه ظلم کنیم و نه زیر بار ظلم برویم» (امام خمینی، ۱۳۸۵ ج ۱۹: ۹۴).

همچنین در این زمینه آیت‌الله شهید بهشتی نیز می‌گوید:

«در این انقلاب ما، ویژگی‌های گوناگون هست. برخی از این ویژگی‌ها به سرعت می‌تواند جهانی و عالم‌گیر بشود. یکی از آن ویژگی‌هایی که به سرعت می‌تواند عالم‌گیر بشود، همین نه شرقی، نه غربی است. شما می‌دانید انقلاب‌هایی که در طول این مدت شده، در طول این دهه‌های اخیر شده، انقلاب‌هایی بوده است که برای به ثمر رسیدنش اگر در مقابل غرب می‌خواست بایستد یک مقدار تکیه می‌کرد به بلوک شرق... حالا در یک گوشه از دنیا آن هم در سرزمین اسلام، یک ملتی، روی پای خودش ایستاده و می‌گوید من می‌خواهم با خودم از آن خودم و برای خودم باشم» (www.irdc.ir).

از این رو با تصویب قانون اساسی، انگاره نه شرقی و نه غربی، به عنوان یک اصل کلی و ثابت در سیاست خارجی کشور پذیرفته شد و این اصل مبنای عمل سیاست خارجی ایران شد. در اصل ۱۵۱ آمده است که: سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر اساس نفی هرگونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری، حفظ استقلال همه جانبه و تمامیت ارضی کشور، دفاع از حقوق همه مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر و روابط صلح آمیز متقابل با دول غیر محارب استوار است. بنابراین شعار نه شرقی نه غربی به عنوان یک شعار تأثیرگذار مبنای کنش‌های ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران قرار گرفت.

### ۳-۲. تشکیل امت واحده

مفهوم امت واحده دارای ریشه‌ای قرآنی است و می‌توان برای معرفت و شناخت دو واژه «امّة» و «واحدة» به آیاتی از قرآن مراجعه کرد. «وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَجَعَلَ النَّاسَ أُمَّةً وَاحِدَةً (هود آیه ۱۱۸) ... وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً (مائده/۴۸) ... كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ (بقره/۲۱۳) ... إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُون». مفهوم امت در دیدگاه مسلمانان، جامعه و اجتماع کسانی است که کفر را نفی کرده مایلند با یکدیگر زندگی کنند. (Gardet, 1984:283) در رویکرد سیاسی به اسلام مفهوم امت هسته اصلی نظریه اسلام سیاسی است. در این رویکرد مرزهای سیاسی جز آنهایی که دارالاسلام را از دارالحرب جدا می‌کرد، در دیدگاه اسلام اعتباری نداشت. در دارالاسلام نیز مجموعه‌ای از افراد که به واسطه مذهب تعامل و پیوند دارند امت نامیده می‌شدند (Holt Lambton, Lewis, 1977:175). ایدئولوگ‌ها و طراحان جمهوری اسلامی نیز خود در این امر صاحب نظر محسوب می‌شوند. امام خمینی (ره) در باب امت اسلامی بر این باور بودند که ملی‌گرایی در مقابل ملت‌های مسلمان دیگر، مسأله‌ای دیگر است که اسلام و قرآن کریم و دستور نبی اکرم (ص) بر خلاف آن است. ملی‌گرایی امری است که اساس دعوت پیامبران را به هم می‌زند (صحیفه نور، ۱۳۸۵ ج ۲: ۱۰۰). امام خمینی تا پایان عمر خود به ترویج ایده امت واحده اسلامی پرداخت. وی در این زمینه عنوان می‌کرد: ما برای اینکه وحدت امت اسلام را تأمین کنیم، برای اینکه وطن اسلام را از تصرف و نفوذ استعمارگران و دولت‌های دست‌نشانده آنها خارج و آزاد کنیم راهی نداریم جز اینکه تشکیل حکومت بدهیم و حکومت‌های ظالم و دست‌نشانده را سرنگون کنیم تا بتوانیم وحدت و آزادی ملت‌های مسلمان را تأمین کنیم (صحیفه نور ۱۳۸۵، ج ۳: ۲۱۰). آیت‌الله مطهری نیز ملی‌گرایی و ملت‌باوری را در جهان اسلام بدعتی ناپذیرفته و نابخشودنی دانسته و معتقد است شرط اول اسلام بی‌رنگ بودن، عمومی و انسانی بودن و رنگ یک ملت مخصوص نداشتن است. مقیاس‌های اسلامی مقیاس‌های کلی و عمومی و انسانی است نه قومی و نژادی و ملی. اسلام به هیچ وجه خود را در محدوده تعصبات ملی و قومی و نژادی محصور نکرده بلکه با آنها مبارزه کرده است (مطهری ۱۳۶۱: ۷۷). از این رو در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز برگرفته از همین مبانی و موازین دینی در اصول متعددی وحدت امت

اسلامی و حمایت از مسلمانان مورد توجه قرار گرفته شده و دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است سیاست کلی خود را بر پایه ائتلاف و اتحاد ملل اسلامی قرار دهد و کوشش پی‌گیر به عمل آورد تا وحدت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام را تحقق بخشد (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران). همچنین با توجه به اصل اسلامی اخوت مسلمانان و وحدت امت اسلامی و وجوب "دفاع از حقوق همه مسلمانان" می‌توان در این زمینه به اصل چهارم قانون اساسی که اصل مربوط به "حاکمیت دین" است استناد و استظهار نمود که هر گونه قانون‌گذاری که در تعارض با وحدت امت اسلامی و موجب بی‌تفاوتی نسبت به وضعیت مسلمانان باشد با روح حاکم بر قانون اساسی ما سازگاری نخواهد داشت (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران).

### ۳-۳-۳. صدور انقلاب

صدور انقلاب کنش مشترک تمامی انقلاب‌های جهان شمول است. این انقلاب‌ها با تکیه بر شعارها و آرمان‌های انقلابی خود خواستار دگرگونی در ساختار سیاسی کشورهای به زعم خود غیر انقلابی هستند. در این میان برپایه سرشت جغرافیا، اولین آوردگاه صدور انقلاب کشورهای هم‌جوار خواهند بود. در مورد انقلاب اسلامی نیز صدور انقلاب اسلامی بنیادی‌ترین استراتژی ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی بوده و هست. اصول این استراتژی را می‌توان در گفت‌وگو با رهبران و مسئولان ارشد جمهوری اسلامی مشاهده کرد. توجه ویژه امام خمینی به صدور انقلاب، به سرعت این ایده را از مرحله فکر به یک استراتژی ژئوپلیتیکی در جمهوری اسلامی تبدیل کرد. از سوی دیگر هم‌نویسی با انقلاب اسلامی در حوزه پیرامونی ایران بسترهای صدور انقلاب را فراهم کرده بود. این هم‌نویسی و تکاپو در عراق بیشتر مشهود بود. مردم شهرهای عراق، چون نجف و کربلا در روز ۲۳ بهمن ۱۳۵۷، تظاهراتی شبیه به ایران برپا نمودند. در پی آن، تظاهراتی در شهرهای کاظمین، الثوره، بغداد و دیاله به رهبری آیت‌الله محمد باقر صدر برقرار شد. حتی در آغاز انتفاضه جدید مردم عراق؛ یعنی در ۱۳۷۰، آنها همانند تظاهرات کنندگان ایرانی مخالف شاه، شهر حلبچه را به خمینی‌شهر نامگذاری کردند و کنترل شهرها را به دست گرفتند. در مراتب بعدی می‌توان به تحرک شیعیان خاورمیانه اشاره کرد. شیعیان عربستان سعودی اندکی پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، در شهرهای قطیف، صفراء، اباقیق، خنجی و شیهات دست به تظاهرات زدند. تظاهرات مشابهی در سال ۱۳۵۷ در شهرهای قونیه، یوزکات و کوچائیلی ترکیه صورت گرفت. در بحرین نیز تحركات مردم به سوی سرنگونی رژیم پادشاهی بود (شیرودی، ۱۳۸۳: ۳۴). واکنش کشورها در برابر صدور انقلاب بسته به توان، قدرت و امکانات آنها متفاوت بود؛ بطوری‌که کشوری چون بحرین تنها به قطع روابط سیاسی اقدام کرد و کشوری چون عراق اقدام به حمله نظامی کرد.

در خصوص صدور انقلاب امام خمینی عنوان می‌کند:

«ما انقلابمان را به تمام جهان صادر می‌کنیم؛ چرا که انقلاب ما اسلامی است و تا بانگ لا اله الا الله و محمد رسول الله (ص) بر تمام جهان طنین نیفکند مبارزه هست و تا مبارزه در هر جای جهان علیه مستکبرین هست ما هستیم» (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۲: ۱۳۸).

یا در جایی دیگر عنوان می‌کنند که:

«ما باید سعی کنیم انقلابمان را صادر کنیم. تمام ابرقدرت‌ها و قدرت‌های دیگر در صدد نابودی ما هستند، اگر ما در یک محیط بسته بمانیم عاقبت با شکست مواجه خواهیم شد» (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۲: ۲۰۲).

ایشان در واکنش به کسانی که مخالف صدور انقلاب بودند عنوان می‌کرد که:

«ما باید در صدور انقلابمان به جهان کوشش کنیم و تفکر اینکه ما انقلابمان را صادر نمی‌کنیم، کنار بگذاریم؛ زیرا اسلام بین کشورهای مسلمان فرقی قائل نیست و پشتیبان تمام مستضعفین جهان است، از طرفی دیگر تمام قدرت‌ها و ابرقدرت‌ها کمر به نابودیمان بسته‌اند و اگر ما در محیطی در بسته بمانیم قطعاً با شکست مواجه خواهیم شد» (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۲: ۲۰۲).

همچنین ایشان سال‌ها پیش از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و به هنگام تشریح موضوع ولایت فقیه، معتقد بود این مدل حکومتی منحصر به یک کشور اسلامی نیست و فقها، به کمک مردم یکایک جوامع اسلامی، موظف‌اند در راه تشکیل این مدل حکومتی اقدام کنند.

«وظیفه علمای اسلام و همه مسلمانان است که به این وضع ظالمانه خاتمه بدهند و در این راه که راه سعادت صدها میلیون انسان است، حکومت‌های ظالم را سرنگون کنند و حکومت اسلامی تشکیل دهند» (امام خمینی، ۱۳۹۰: ۳۷).

در همین زمینه در جای دیگری می‌گویند:

«من امیدوارم که همه ملت‌های اسلام که به واسطه تبلیغات سوء اجانب متفرق شده‌اند و در مقابل هم قرار گرفته‌اند، بیدار شوند و همه با هم شوند، یک دولت بزرگ اسلامی، یک دولت زیر پرچم لا اله الا الله تشکیل بدهند و این دولت بر همه دنیا غلبه کند» (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۶: ۲۳۴).

بحث صدور انقلاب مختص اوائل انقلاب و امام نیست بلکه در دهه سوم جمهوری اسلامی نیز همچنان یک استراتژی به‌شمار می‌رود. علی فلاحیان عضو مجلس خبرگان رهبری و وزیر اسبق اطلاعات در جمع اعضا حزب مؤتلفه اسلامی، ضمن تحلیل شرایط روز کشور و منطقه عنوان می‌کند:

«ما با اتکای خداوند متعال، اتحاد جماهیر کشورهای اسلامی را درست می‌کنیم... وی با بیان اینکه مسئله اساسی ما جهاد با دشمن است اظهار داشت: اساساً امام فرمودند، ما اهدافمان اتحاد جماهیر

کشورهای اسلامی است و باید تمام نوکران غرب را از کرسی پایین بکشیم. چندین بار می‌گفتند حسین اردنی، حسن مراکشی و همه اینها عوامل بیگانه در کشورهای اسلامی هستند و ملتها باید برای برکنار کردن اینها متحد شوند. اساسی‌ترین مسئله ما جهاد است، جهاد با عدو است. حتی باید برای کشورهایی که مشرک هستند، برنامه‌ریزی داشته باشیم» (www.motalefe-party.com).

بر این اساس هدف صدور انقلاب سرنگون‌سازی حکومت‌های دیکتاتور و ضد اسلامی در جغرافیای جهان اسلام بوده و هست. از این رو جمهوری اسلامی رسالت خود را ایجاد یک جامعه و دولت الگوی اسلامی و ترویج این مدل و الگو به سایر ملتها و کشورها می‌داند.

### ۳-۳-۴. آمریکا ستیزی

فلسفه اعتراضی مذهب شیعه، سنت‌های سیاسی ایرانیان همچون دادگری و ظلم‌ستیزی و نگرش خیر و شر گونه به هستی، شکل ویژه‌ای به جهان‌بینی ایرانیان داده است. از این رو هر آنچه که ایرانی ضد جهان‌بینی خود درک کند نماد شر خواهد بود که باید برچیده شود. انقلاب ایران شر و ظالم را آمریکا با مفهوم شیطان بزرگ و شاه را با مفهوم خائن و جنایتکار درک کرد. از این رو انقلاب در گام اول حکومت وابسته به آمریکا را سرنگون ساخت و در ادامه به مبارزه‌جویی با این کشور در قلمروهای آن پرداخت. بر این اساس رویکرد ضد آمریکایی جمهوری اسلامی در دو ویژگی (مبارزه همژمونیک خیر و شر) در بعد اندیشه و (مبارزه انقلابی-محافظه کار) در بعد سیاسی قابل تبیین است. این امر سبب شده تا جمهوری اسلامی کانون مبارزات ضد آمریکایی در جهان سیاست شود. به همین نسبت ژئوپلیتیک دو کشور ایران و آمریکا نیز از این رویکرد متأثر شده و گستره‌های جدیدی در عرصه سیاست خارجی دو کشور خلق شده است.

### ۴-۳-۴. اسرائیل ستیزی

نوع نگاه جمهوری اسلامی ایران به اسرائیل تلقی از این رژیم سیاسی به عنوان واحدی نامشروع، موضوعی خاص و منحصر به فرد است. از دید جمهوری اسلامی اسرائیل غاصبی است که حق و سرزمین فلسطینیان را غصب کرده است، بر مسلمانان فلسطینی ظلم می‌کند و حقوق آنان را به بیگانگانی می‌داد که از سایر نقاط جهان به فلسطین آمده بودند (شیرزاده و مصباح، ۱۳۹۰: ۲۵۰-۲۶۰). در این زمینه رهبران ارشد جمهوری اسلامی از اسرائیل با عنوان غده سرطانی یاد می‌کنند و به نابودی و محو آن از جغرافیای سیاسی جهان باور دارند (www.khamenei.ir).

### ۳-۳-۵. ام‌القری

ام‌القری مفهومی است که برای نخستین بار عبدالرحمن کواکبی در مورد شهر مکه که مرکز دینی جهان اسلام است به کار برد. وی برای حل معضلات جهان اسلام، کنفرانس سران و اندیشمندان دینی، عالمان و روشنفکران جهان اسلام را در شهر مکه به عنوان ام‌القری اسلام پیشنهاد داد. بر اساس این نظریه اگر کشوری ام‌القری جهان اسلام شناخته شود به گونه‌ای که ثبات و پایداری آن مساوی با پایداری اسلام و ضعف آن برابر با ضعف اسلام و کشورهای اسلامی باشد، به صورت طبیعی اگر در مواردی امر دایر شود میان این که دولت اسلامی منافع ام‌القری را مدنظر قرار دهد یا مصلحت عموم مسلمانان را دنبال کند، به صورت منطقی منافع ام‌القری بر مصالح اسلامی مقدم می‌شود. بدین ترتیب در حالت تعارض دو مقوله، تکلیف دولت اسلامی روشن می‌شود (زارعی، ۱۳۹۰: ۱۶۱).

بر اساس این نظریه جهان اسلام یک امت واحد است و کشوری که بتواند با تشکیل حکومت اسلامی سطح رهبری خود را از مرزهای سرزمینی‌اش فراتر برد در موقعیت ام‌القری جهان اسلام قرار می‌گیرد. ویژگی مهم و اصلی ام‌القری در این است که در آن سرزمین نخست حکومت اسلامی مستقر شده است و دوم صلاحیت و گستره رهبری ام‌القری نسبت به کل امت اسلامی است؛ یعنی این رهبری، لیاقت ولایت بر کل امت را دارد (لاریجانی، ۱۳۷۵: ۳۰). از منظر استراتژیست‌های جمهوری اسلامی، نظریه ام‌القری راهبردی برای تبیین خطمشی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و موقعیت ایران در جهان اسلام است که برای اولین بار در دهه ۱۳۶۰ از سوی محمدجواد لاریجانی مطرح شد (فیرحی، ۱۳۸۲: ۲۶۰). از نظر مبتکران این استراتژی، جمهوری اسلامی ایران ام‌القری جهان اسلام و امام خمینی با تأسیس حکومت مبتنی بر ولایت فقیه در دو شأن رهبر ایران و رهبر جهان اسلام قرار گرفت (مسعودی‌فر، ۱۳۸۲: ۱۱۷). به این ترتیب حکومت ایران بایستی علاوه بر منافع ملی به منافع جهان اسلام نیز بپردازد و دیگر کشورها نیز موظف‌اند از ایران به عنوان ام‌القرای جهان اسلام حمایت و دفاع کنند.

### ۴. کنش‌های ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی در دوران گذار پس از انقلاب

#### ۴-۱. خروج ایران از سنتو

سنتو (سازمان پیمان مرکزی)<sup>۱</sup> در سال ۱۳۳۳ در بغداد بین کشورهای پاکستان، ترکیه، عراق و انگلستان منعقد گردید و در آبان ۱۳۳۴ ایران رسماً به آن پیوست. پس از بروز کودتای ۱۳۳۷ عبدالکریم قاسم در

1. Central Treaty Organization

عراق و خروج آن کشور از پیمان بغداد، نام آن به سنتو تغییر یافت. پس از وقوع انقلاب اسلامی، ابتدا در ۲۲ اسفند ۱۳۵۷ سخنگوی دولت موقت جمهوری اسلامی عباس امیرانتظام خروج ایران از پیمان سنتو را اعلام کرد (کیهان، ۱، ۱۳۵۷: ش ۱۰۶۶۰). سپس وزارت خارجه دولت موقت در تاریخ دوشنبه ۶ فروردین رسماً کناره‌گیری دولت موقت جمهوری اسلامی ایران را از پیمان سنتو به دول پاکستان، ترکیه و انگلستان اعلام کرد (کیهان، ۲، ۱۳۵۸: ش ۱۰۶۶۸).

#### ۴-۲. ورود به جنبش عدم تعهد

جنبش کشورهای غیر متعهد<sup>۱</sup> در سال ۱۹۶۱ میلادی در اوج جنگ سرد و فضای دوقطبی بین غرب و شرق با هدف وحدت میان کشورهایی که نه در اردوگاه کمونیسم و نه در اردوگاه سرمایه‌داری قرار داشتند، تشکیل شد. اولین اجلاس سران عدم تعهد که باعث موجودیت این سازمان نیز شد با حضور مارشال یوزپ تیتو رهبر یوگوسلاوی سابق، قوام نکرومه رهبر غنا، جمال عبدالناصر رئیس جمهور مصر، جواهر لعل نهرو نخست وزیر هند و سوکارنو رهبر استقلال اندونزی در کنفرانسی که در شهر بلگراد در کشور یوگوسلاوی برگزار شد. در این میان ایران به دلیل پیوستن حکومت پهلوی به پیمان نظامی بغداد نتوانست در نخستین اجلاس سران کشورهای غیرمتعهد حضور یابد و از آن تاریخ به بعد نیز مسئله عضویت ایران در این جنبش مطرح نشد. اما در سال ۱۳۵۷، پس از پیروزی انقلاب اسلامی و در ششمین نشست سران جنبش عدم تعهد در هاوانا، ایران براساس انگاره نه شرقی نه غربی به عضویت این سازمان درآمد.

#### ۴-۳. تسخیر سفارت آمریکا

تسخیر سفارت آمریکا در تهران در تاریخ ۱۳ آبان ۱۳۵۸ و مسئله گروگان‌گیری ۵۰ تن از اتباع آمریکایی (شامل ۲۸ نفر دیپلمات، ۲۰ نفر کارمند اداری و فنی و ۲ نفر تبعه آمریکا) در تهران به مدت ۴۴۴ روز، رویدادی بود که نظام نوپای انقلابی ایران را مقابل بزرگترین ابرقدرت جهان قرار داد. اگر آغاز سرشکستگی ناشی از روابط دو جانبه برای ایران، از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ شروع شد، برای ایالات متحده و آمریکاییان این سرشکستگی در ۱۳ آبان ۱۳۵۸ و با اشغال سفارت آمریکا در تهران آغاز شد. بار معنایی اشغال سفارت آمریکا از منظر ایدئولوژی جمهوری اسلامی حامل این مضمون بود که وعده خداوند در غلبه مستضعفین بر قدرتمندان و زورمندان عملی شده است (علمی، ۱۳۸۷: ۱۰۰).

#### ۴-۴. حمایت از جنبش‌های آزادیبخش

جنبش‌های آزادی‌بخش<sup>۱</sup> یکی از انواع جنبش‌های اجتماعی است که هدف آن دگرگونی ساختارهای سیاسی است. تغییراتی که اعضای این جنبش‌ها در پی آن هستند، دگرگونی‌های سریع و عظیم، جامع و فراگیر و اغلب همراه با خشونت است. از این رو این جنبش‌ها اغلب به انقلاب منجر می‌شوند و ساختار جامعه را تغییر می‌دهد. عموماً جنبش‌های آزادیبخش در برابر مفاهیمی چون استعمار (نهیضت آزادیبخش الجزایر) (Connelly, 2002: 175) دولت‌های ملی نامشروع (جبهه آزادی‌بخش ساندینیستا) (Zimmermann, 2000: 170) استقلال ملی (ارتش جمهوری‌خواه ایرلند) (Durney, 2004: 8) و سلطه (نهیضت مقاومت ملی فرانسه) (Moore, 2000: 125-142) شکل می‌گیرند. ماهیت عدالت‌خواهانه، ضددیکتاتوری و استقلال‌خواهانه انقلاب ایران نوعی هم‌نوایی با سایر انقلاب‌ها و جنبش‌های آزادی‌خواهانه برقرار ساخت. از این رو یکی از رسالت‌های جمهوری اسلامی حمایت از جنبش‌های آزادی‌بخش جهان در راستای استراتژی صدور انقلاب تعریف شد. در این رابطه امام خمینی می‌گوید: «من بار دیگر از تمام جنبش‌های آزادی‌بخش جهان پشتیبانی می‌نمایم و امیدوارم تا آنان برای تحقیق جامعه آزاد خویش پیروز شوند، و امید است دولت اسلامی در مواقع مقتضی به آنان کمک نماید.» در جای دیگری عنوان می‌کند: «شما ای جنبش‌های آزادی‌بخش و ای گروه‌های در خط به دست آوردن استقلال و آزادی، به‌پاخیزید و ملت‌های خود و ملل اسلامی را هشدار دهید که زیر بار ستم رفتن بدتر و قبیح‌تر از ستمکاری است و به دولت‌ها اخطار کنید که از زبونی و ذلت خود را نجات دهند و به همه تذکر دهید به اسلام باز آیند و به اخوت اسلامی بگرایید» (امام خمینی، ۱۳۷۱: ج ۱، ۹۲۴).

متأثر از چنین رویکردی، ایران کانون انقلابیون جهان و تهران محل رفت و آمد نمایندگان جنبش‌های آزادی‌بخش شد، بطوریکه رهبران سازمان آزادی‌بخش فلسطین بلافاصله پس از پیروزی انقلاب در روز ۲۸ بهمن وارد تهران شد و با امام خمینی دیدار کردند. در این ملاقات یاسر عرفات امام را رهبر و معلم اول فلسطین و مسلمانان جهان نام برد. امام خمینی نیز عنوان کرد که دیدگاه ما نسبت به فلسطین استوار است و پس از رفع خرابی‌های ایجاد شده بوسیله شاه، درباره اسرائیل بطور افزون‌تر فکر خواهیم کرد (کیهان، ۱۳۵۷: ۱۰). همچنین در تاریخ ۷ اسفند ۱۳۵۷ هیأتی متشکل از نمایندگان جبهه پولیساریو با امام خمینی در منزل ایشان دیدار کردند. رهبر جمهوری اسلامی در این دیدار به هیأت نمایندگی پولیساریو اطمینان داد انقلاب ایران همواره یار و پشتیبان همه ملت‌های مسلمان جهان خواهد بود. اعضا این هیأت

1 . Liberation movement



نیز عنوان کردند که انقلاب ایران امید بزرگی برای همهٔ انسان‌هایی است که برای استقلال و عدالت مبارزه می‌کنند (کیهان، ۱۳۵۷: ۲). در تیرماه ۱۳۵۸ نیز احمد ناصر رهبر جبهه‌ی آزادی‌بخش اریتره با مقامات سیاسی ایران دیدار کرد (کیهان، ۱۳۵۸: ۸:ش ۱۰۷۶۱). بر این اساس وضعیت سیاسی موجود در ایران فضای جدیدی برای جنبش‌های آزادی‌بخش فراهم کرده بود که به سهولت به کنش‌گری سیاسی می‌پرداختند. این امر به‌گونه‌ای بود که اولین سالگرد بزرگداشت ۱۵ خرداد تحت تأثیر حضور نمایندگان جنبش‌های آزادی‌بخش قرار گرفت و بخش اعظم شعارها و پلاکاردهای جمعیت حاضر، در راستای حمایت از جنبش‌های آزادی‌بخش بود. همچنین در این مراسم، نمایندگانی از سازمان آزادی‌بخش فلسطین، سازمان اسلامی افغانستان، سازمان النصر افغانستان، نهضت اسلامی فیلیپین سخنرانی کردند (کیهان، ۱۳۵۸: ۳-۴:ش ۱۰۷۲۵). همچنین در ۱۳ دی ماه ۱۳۵۸ نخستین گردهمایی جنبش‌های آزادی‌بخش جهان در تهران برگزار شد. این گردهمایی را دانشجویان پیرو خط امام با هدف "اتحاد میان امم انقلابی علیه رژیم‌های ستمگر و شناساندن انقلاب اسلامی به جهانیان" برگزار کردند. این گردهمایی که با دعوت از رهبران ۱۶ جنبش آزادی‌بخش ملی برگزار شد یک هفته ادامه داشت. در این گردهمایی رهبرانی از لبنان، ظفار، فلسطین، آرژانتین، و... حضور داشتند (کیهان، ۱۳۵۸: ۱۵:ش ۱۰۸۹۸). تشکیل سازمان‌هایی چون "سازمان انقلابی توده‌های جمهوری اسلامی (ساتجا)" و "جنبش‌های آزادی‌بخش جهان اسلام" در راستای عملیاتی کردن حمایت‌های ایران در این خصوص بود. علاوه بر این در چارت تشکیلاتی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیز در قسمت شرح وظایف آن به موضوع حمایت از جنبش‌های آزادی‌بخش تحت عنوان "حمایت از نهضت‌های رهایی‌بخش و حق طلبانه مستضعفین جهان تحت نظارت رهبری انقلاب و مشورت دولت" اشاره شده است (کیهان، ۱۰۶۹۹: ۱:ش ۱۳۵۸). بر این اساس واحدی به نام واحد نهضت‌های آزادی‌بخش در سپاه تشکیل شد. مجموعه وضعیت یاد موجب شد تا سازمان‌ها و جنبش‌های انقلابی همچون دفتر جبهه آزادی‌بخش شبه‌جزیره عربستان، مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق، جبهه مورو فیلیپین، جنبش‌های مقاومت اسلامی افغانستان، سازمان آزادی‌بخش فلسطین اقدام به تأسیس دفتر نمایندگی در ایران کنند. این سیاست همواره در طول سه دهه حیات جمهوری اسلامی از سوی تصمیم‌گیران آن پیگیری شده است. برای مثال یدالله جوانی رئیس اداره سیاسی سپاه عنوان می‌کند: امروز شاهدیم که آستانه تحمل مردم از سرکوب رژیم‌های غیر دموکراتیک و مرتجع کشورهای اسلامی به حدی پایین آمده که در حال سرنگونی آن‌ها هستند. اما وظیفه دستگاه دیپلماسی در این راستا توسط قانون اساسی به وضوح مشخص شده است. لذا در این قانون تصریح شده است که باید از حرکت آزادی‌خواهان

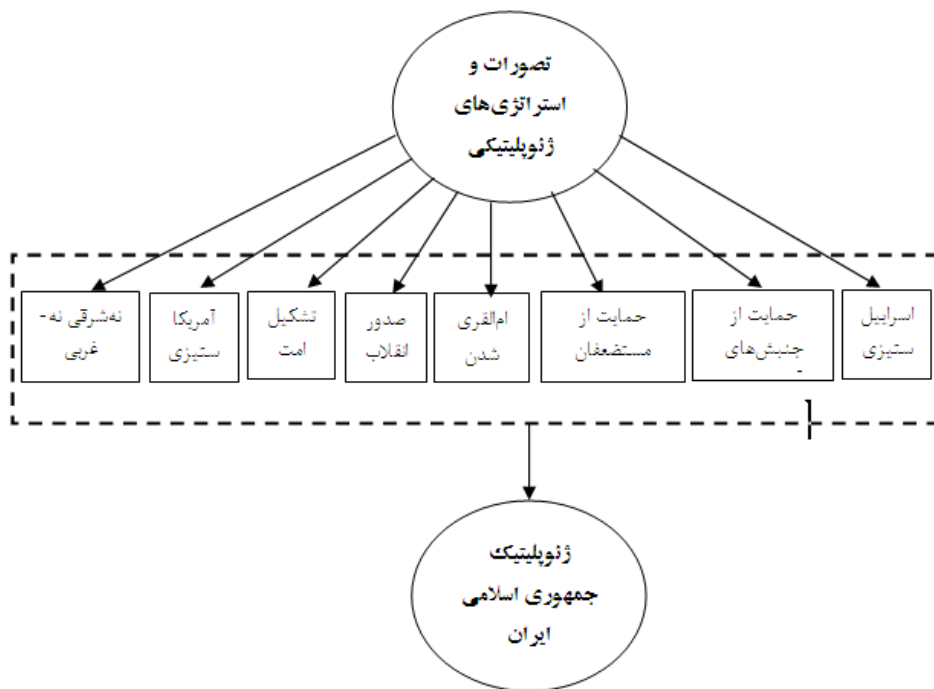
در هر جای دنیا حمایت به عمل آید و این مهم در شرایطی که دولت‌های مستبد در حال سرکوب مردم مسلمان تحت سلطه خود هستند، باید سرلوحه دستگاه دیپلماتیک کشور باشد. این کتمان‌ناپذیر است که حمایت مؤثر جمهوری اسلامی ایران می‌تواند حکم یک عامل بازدارنده در مقابل سرکوب مردم را داشته باشد تا آنان بتوانند با سرعت بیشتر اهداف آزادی‌خواهانه خود را به پیش ببرند. آنچه در این بین از درجه اهمیت بالایی برخوردار است، این نکته است که جمهوری اسلامی تجربیات خود را در اختیار نهضت‌های آغاز شده قرار دهد تا هوشیاری لازم در رهبران مخالفین ایجاد شود و از مسیرهای انحرافی ایجاد شده توسط آمریکا و اسرائیل در امان بمانند. این برای مردم حاضر در صحنه کشورهای منطقه مهم است که شاهد حمایت مردم مسلمان ایران و همچنین حمایت مسئولین جمهوری اسلامی ایران از نهضت عدالتخواهانه خود باشند ... تا ان‌شاءالله با فروریختن پایه‌های نظام سلطه، خاورمیانه بزرگ با نسخه اسلامی تشکیل شود و ما قطعاً باید از این فرصت استفاده کنیم تا به آرزوهای خود جامه عمل بپوشانیم و همه باید احساس وظیفه کنیم (<http://yalasarat.com>). در همین زمینه حسین همدانی جانشین فرمانده نیروی مقاومت بسیج نیز عنوان می‌کند که ایران به "ارتش آزادی‌بخش خاور نزدیک" سلاح عرضه می‌کند و ارتش‌های آزادی‌بخش منطقه نیز بخشی از تسلیحات را از ما دریافت می‌کنند ([pe.ria.ru](http://pe.ria.ru)).

### نتیجه‌گیری

تحولات ژئوپلیتیکی به شدت متأثر از اندیشه‌ها و اعتقادات حاکم در یک کشور است. ایران در زمان حکومت پهلوی دوم و بعد از جنگ جهانی دوم به لحاظ موقعیت ژئوپلیتیکی بخشی از ریملند آمریکا به شمار می‌رفت. موقعیتی که معرف نقشی نیابتی از جانب غرب، آن هم جلوگیری از نفوذ کمونیسم بود. از این رو سیاست خارجی و استراتژی‌های ژئوپلیتیکی ایران فاقد بنیان‌های اندیشه‌ای و مقتضیات ایرانی بود. پس از انقلاب کنش‌گری ژئوپلیتیکی ایران سبب شد بسیاری از نهضت‌های رهایی‌بخش، به‌ویژه در آسیا و آفریقا، مجذوب انقلاب ایران شوند. از منظر ژئوپلیتیکی انقلاب ایران واکنشی اعتراضی به ژئوپلیتیک دوقطبی جهانی بود. ایران با تکیه بر مضامین، مفاهیم و ابزارهای جدید، خود را قطب سوم ژئوپلیتیک جهانی تعریف کرد. در تمام دوران حیات جمهوری اسلامی رهبران و تصمیم‌سازان ایران در گفته‌ها و نوشته‌های خود با اشاره به ملل محروم و مستضعف جهان اظهار امیدواری می‌کنند که تمام مردم جهان با الهام از نمونه انقلاب ایران از زیر یوغ دیکتاتورها و حامیان بین‌المللی آن‌ها درآمده، آزادی خود را بدست

آوردند. ایران این استراتژی ژئوپلیتیکی را در قالب مفهوم صدور انقلاب و مبارزه با رژیم‌های سنتی خاورمیانه شروع و در قانون اساسی خود بر آن تأکید کرد. در قانون اساسی جمهوری اسلامی هدف از تشکیل حکومت اسلامی، حرکتی برای پیروزی تمامی مستضعفین بر مستکبرین عنوان شده است که می‌خواهد زمینهٔ تداوم انقلاب را در داخل و خارج کشور فراهم کند تا با دیگر جنبش‌های اسلامی و مردمی راه تشکیل امت واحد جهانی را هموار کند و استمرار مبارزه در نجات ملل محروم و تحت ستم در تمامی جهان قوام یابد. انقلاب اسلامی سبب شد تا ایران، که یکی از اجزای نظام ژئوپلیتیک جهانی آمریکا در منطقه خاورمیانه بود به نیرومندترین دشمن ژئوپلیتیکی این کشور تبدیل شود. از این رو پس از انقلاب اسلامی، مهمترین عامل تأثیرگذار در تحول ژئوپلیتیکی ایران و نیز مبنای تعاملات و کنش‌های ژئوپلیتیکی ایران با ساختار ژئوپلیتیک منطقه‌ای و جهانی، اندیشه‌ها و مفاهیم برآمده از انقلاب است. به عبارت دیگر ژئوپلیتیک ایران وابسته به مبنای انقلاب اسلامی است که موجب انبساط فضایی ژئوپلیتیک ایران و متعاقب آن افزایش قدرت ملی کشور شده است. انقلاب اسلامی و انگاره‌های آن، مؤلفه‌ای است که توانسته ژئوپلیتیک ایران را در سطح یک بر قدرت جهانی شکل دهد.

مدل تکوین ژئوپلیتیک جمهوری اسلامی (نگارندگان)



Archiv

## منابع

- ازغندی، سیدعلی‌رضا (۱۳۸۶) *روابط خارجی ایران ۱۳۵-۱۳۳۰*، تهران، قومس، چاپ هفتم.
- امام خمینی، سید روح‌الله (۱۳۸۸)، *ولایت فقیه*، تهران، نشر عروج.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۵)، *صحیفه‌امام*، جلدهای ۱۹۶، ۱۵، ۱۲، ۲، ۳، تهران، نشر عروج.
- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۴)، *نقش استراتژیک خلیج فارس و تنگه هرمز*، تهران، سمت.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۵)، *اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک*، مشهد، انتشارات پاپلی.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۸)، *جزوه درس اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک*، منتشر نشده.
- حسینیان، روح‌الله؛ (۱۳۸۳) *چهارده سال رقابت ایدئولوژیک شیعه در ایران ۱۳۵۶-۱۳۴۳*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- دادس، کلاوس (۱۳۸۴) *ژئوپلیتیک در جهان متغیر*، ترجمه زهرا احمدی پور و عطاء‌الله عبدی، تهران نشر: بلاغ دانش.
- زارعی، بهادر (۱۳۹۰) *تحلیل تئوری امت در قلمرو جغرافیای سیاسی اسلام*، فصلنامه سیاست- مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی پاییز شماره ۳ دوره ۴۱.
- سخاوتی، نصرالله (۱۳۸۴) *انقلاب اسلامی، آذرخشی از عاشورای حسینی*، فصلنامه معرفت شماره ۹۸.
- شیرودی، مرتضی (۱۳۸۳) *انقلاب اسلامی ایران و جنبش‌های جهان اسلام*، تهران، نشریه رواق اندیشه، شماره ۳۰.
- عالم، عبدالرحمن (۱۳۷۳) *بنیادهای علم سیاست*، تهران، نشر نی.
- علومی، ابراهیم (۱۳۸۷)، *بحران گروگان‌گیری و تحریم ایران*، تهران، فصلنامه راهبرد، سال هفدهم، شماره چهل و هفتم.
- فاضلی‌نیا، نفیسه (۱۳۸۵)، *ژئوپلیتیک شیعه و مسئله امنیت ملی ایران*، فصلنامه شیعه‌شناسی، سال چهارم، شماره ۱۳.
- فونتن، آندره (۱۳۶۲)؛ *یک بستر و دو رویا*، ترجمه عبدالرضا هوشنگ‌مهدوی، تهران، نشر نو.
- فیرحی، داوود (۱۳۸۲) *نظام سیاسی و دولت در اسلام*، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها.
- کاویانی‌راد، مراد و بویه، چمران (۱۳۹۱) *جایگاه مفهوم فضای حیاتی در شکل‌گیری سیاست خارجی عراق*، فصلنامه ژئوپلیتیک شماره ۲۵ سال هشتم، شماره اول.
- کیهان پنجمین شماره ۲۸ تیر ۱۳۵۸ شماره ۱۰۷۶۱.
- کیهان شنبه ۱۵ دی ۱۳۵۸ شماره ۱۰۸۹۸.

- کیهان شنبه ۸ اسفند ۱۳۵۷ ص ۲.
- کیهان یکشنبه ۱۶ اردیبهشت ۱۳۵۸ شماره ۱۰۶۹۹.
- کیهان یکشنبه ۱۶ خرداد ۵۸ ص ۳ و ۴ شماره ۱۰۷۲۵.
- کیهان یکشنبه ۲۹ بهمن ۱۳۵۷ ص ۱۰.
- کیهان ۱۳۵۷ شماره ۱۰۶۶۰.
- کیهان ۱۳۵۸ شماره ۱۰۶۶۸.
- گازیوروسکی، مارک (۱۳۷۱)؛ *سیاست خارجی آمریکا و شاه*، ترجمه فرید ناظمی، تهران.
- گر رابرت تد (۱۳۸۸) *چرا انسانها شورش می کنند؟*، ترجمه علی مرشدی زاد، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- لاریجانی، محمد جواد (۱۳۷۵) *حکومت اسلامی و مرزهای سیاسی*، فصلنامه حکومت اسلامی، شماره دوم، زمستان.
- لاکوست، ایو و ژیلین، بتریس. (۱۳۷۸). *عوامل و اندیشه‌ها در ژئوپلیتیک*. ترجمه علی فراستی. تهران، نشر امن.
- لطفیان، سعیده (۱۳۸۰)؛ *ارتش و انقلاب اسلامی*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول.
- مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۱)، *جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی*، تهران، سمت.
- مسعودی‌فر، جلیل (۱۳۸۲)، *حفظ فرهنگ ایرانی - اسلامی در فرایند جهانی شدن*، قم، مجموعه مقالات همایش جهانی شدن و دین.
- مشیرزاده، حمیرا و مصباح، احسان (۱۳۹۰) *موضوع اسرائیل در گفتمان سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، فصلنامه روابط خارجی، سال سوم، شماره اول.
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۴) *امامت و رهبری*، نشر صدرا.
- موسوی، میرطیب؛ و امینی، علی‌رضا (۱۳۷۰)؛ *نفت سیاست اقتصاد*، تهران، نشر خط سوم.
- هوشنگ‌مه‌دوی، عبدالرضا (۱۳۷۵)؛ *سیاست خارجی ایران در دوران پهلوی*، تهران، نشر البرز.
- Cecil, V. Crabb, Jr (1972) *American Foreign Policy in the Nuclear Age*; New York: Harper & Row.
- Connelly Matthew (2002) *A Diplomatic Revolution: Algeria's Fight for Independence and the Origins of the Post-Cold War Era*. New York and London: Oxford University Press,
- Freedon, Michael (2003) *Ideology: A Very Short Introduction*, Oxford. Chapter 1
- Gardet, Louis (1984) *Islam's men, Mentality of Approaches*, Brussels, edition complexes.
- Gary R. Donato (2005) *A Differentiated Assessment of U.S. National Interests (case Study in Presidential Dominance)* University of Connecticut,

- Goodwin Jeff (2001), *No Other Way Out: States and Revolutionary Movements, 1945-1991*. Cambridge University Press, , p.5
- Holt, P. M.; Lambton Ann K. S., Lewis Bernard (1977) *Cambridge History of Islam*, Vol. 2. Cambridge University Press.
- <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=16912> از ۱۳۹۰/۰۵/۱۹ بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان
- <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3040۱۳۷۹/۰۹/۲۵> خطبه‌های نماز جمعه تهران
- <http://pe.ria.ru/articles/20081030/118033659.html> سپاه پاسداران مخالف بهبود روابط ایران و آمریکاست ۰۹ / ۰۸ / ۱۳۸۷
- [http://rc.majlis.ir/fa/content/iran\\_constitution](http://rc.majlis.ir/fa/content/iran_constitution) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
- <http://www.irdc.ir/fa/content/12477/default.aspx> بازخوانی سخنرانی آیت‌الله دکتر محمدحسین بهشتی: سیاست نه شرقی، نه غربی» به چه معناست؟ ۱۳۹۰/۰۲/۷
- [http://www.motalefe-arty.com/?pPage=view\\_NP\\_SHOMA.asp&lang=FA۷۶۳](http://www.motalefe-arty.com/?pPage=view_NP_SHOMA.asp&lang=FA۷۶۳) شماره ۱۳۹۱/۴/۱۷
- <http://yalasarat.com/vdcicpaw2t1ay.bct.html> در حمایت از جنبش‌های آزادیبخش هرچقدر کار کنیم کم است پنجشنبه ۱۴ بهمن ۱۳۸۹
- James Durney, *The Volunteer: Uniforms, weapons and history of the Irish Republican Army ۱۹۹۷-۱۹۱۳*, pg. ۸
- Johnson, Chalmers A(۱۹۸۲) *Revolutionary change* University of Paris.
- Lahtinen, Mikko (2009) *Politics and Philosophy: Niccolò Machiavelli and Louis Althusser's Aleatory Materialism*. Koninklijke Brill NV, Leiden, Netherland.
- Moore, Bob(۲۰۰۰) *Resistance in Western Europe* , Publication: Oxford, England
- Pesqueux Yvon (2002) *ideology and organization*, Author manuscript, published in "Developing philosophy of management - crossing frontiers, Oxford : United Kingdom "
- Skocpol, Theda(1979) *States and Social Revolutions*, Cambridge: Cambridge University Press
- Zimmermann, Matilde (۲۰۰۰) *Sandinista: Carlos Fonseca and the Nicaraguan Revolution* Duke University Press Books